

مراتب فکر و فعل در معماری دفاعی دارالسلطنه‌ی تبریز

مطالعه‌ی موردی: چرایی و چگونگی ایجاد سامانه‌ی دفاع غیرعامل شهر پس از زمین‌لرزه‌ی ۱۱۹۳ ه. ق.^۱

محمد باقر کبیرصابر*: استادیار، دانشکده‌ی معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ Email: kabirsaber@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۷
تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۱

چکیده

هدف نوشتار حاضر تبیین جایگاه معماری دفاعی، در فرایند بازسازی تبریز پس از زمین‌لرزه‌ای است که در اواخر دوره‌ی زندیه و به سال ۱۱۹۳ هجری قمری رخ داد. اهمیت موضوع پژوهش، به اهمیت ساختاری دیوار دفاعی شهر برای اعتبار بخشیدن به حیات جمعی، پس از وقوع بحران برمی‌گردد، زیرا پس از زمین‌لرزه، مدیریت بومی متکی به توانمندی‌های محلی، بار دیگر سامانه‌ی دفاعی کارآمدی را برای حفاظت از آسیب‌دیدگانی که قصد ادامه‌ی حیات در این شهر بحران‌زده را داشتند، پدید آورد. مقتضیات زمان و مکان در آن ایام به نحوی بود که مدیریت امنیت، به رکن مهم مدیریت بحران تبدیل شده بود و در این راستا باید در گرداگرد شهر، بارویی برای ایمن‌سازی آن در برابر تعدیات احتمالی ساخته می‌شد. اگر چه در آن ایام، محدودیت‌های ناشی از بحران عرصه را برای هر نوع تصمیم‌گیری تنگ کرده بود، اما اندیشه‌ی مدیریت بومی توانست با شناسایی، نظم‌دهی و جهت‌بخشی به قابلیت‌های مادی و معنایی موجود، اقدامات ثمربخشی برای نیل به وضعیت دفاعی مطلوب انجام دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بعد از زمین‌لرزه، متولیان شهر - چه در سال‌های پایانی دوره‌ی زندیه و چه در سال‌های آغازین دوره‌ی قاجاریه - نیتی واحد در استوار ساختن و استوار ماندن این بارو داشته‌اند. بر این اساس، هدف نوشتار حاضر تحلیل چرایی و چگونگی تحقق ساختاری باروی مذکور در وضعیت بحرانی پس از زمین‌لرزه است؛ وضعیتی که در آن، هنجارهای شناخته شده‌ی زندگی شهری از بین رفته و معاش و معیشت دچار مضیقه بود. این پژوهش به روش تفسیری - تاریخی صورت گرفته است و بر آن است که این پرسش‌ها پاسخ دهد: الف. باروی تبریز چه نقش کارکردی در ترتیبات زیست جمعی این شهر داشت؟ ب. فرایند طراحی باروی جدید، متأثر از چه عواملی و مبتنی بر چه اصولی بود؟

واژه‌های کلیدی: زمین‌لرزه، معماری دفاعی، بارو، رویکرد بومی، توانمندی‌های محلی

Thinking and Action Stages in Defense Architecture of Urban Environment in Tabriz

Case study: Passive defense in restorations processes after earthquake in 1779

Mohammad Bagher Kabirsaber*¹

Abstract

The aim of the present research is to prepare a conceptual framework for traditional defensive architecture of Tabriz in historical stages of restorations in destructive earthquake of 1779. After the earthquake, the anatomic totality of the city was destroyed and the city lost most of its population and the life system was plagued in individual and collective scale which is highlighted in this study. The native managing system was able to create a capable defense mechanism in order to protect the affected people harmed ones who wanted to continue life. In this circumstance safety management had turned to an important element in crisis management system. Although, the limitations raised by the crisis, had made the decision making difficult, however native management was able to take effective actions for the aim of according to the defense through recognizing, ordering and directing the financial and moral abilities in the environment. The importance of research subject is to understand how the new bulwark of the city was built in a condition that all known norms of the city had vanished. The present research is qualitative and is done in historical-interpretive method that attempts to respond following questions: A. What was the reason for necessity of planning and building the new bulwark? B. What were the principles of planning new bulwark?

Keywords: Earthquake, bulwark, defensive architecture, native approach, local capabilities

¹ Assistant Professor, Faculty of Fine Art, University of Tehran, Tehran, Iran; Email: kabirsaber@ut.ac.ir

مرور پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که فراوانی منابع موجود در زمینه‌ی شناخت باروی تبریز، عمدتاً معطوف به شناخت تاریخی آن است. در بین این منابع، ابتدا می‌توان به کتاب «تجربه‌ی الاحرار و تسلیه‌ی الابرار» اثر عبدالرزاق بیگ فرزند امیر نجف‌قلی خان (بانی بارو) اشاره کرد. این کتاب در حدود سال ۱۲۲۸ ه. ق. نوشته شده و در آن، شرحی بر زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. و نیز نکاتی سودمند راجع به فرایند بازسازی باروی تبریز مندرج است [۳]. منبع دیگر، کتاب «ریاض‌الجنة» اثر محمدحسن‌الحسینی زنوزی است؛ او نیز در کتاب خود مطالبی درباره‌ی وقایع تبریز زلزله‌زده نوشته و نحوه‌ی اقدام به ساخت بارو را شرح داده است [۴]. در این زمینه می‌توان به مطالب شاهزاده نادر میرزا نیز اشاره کرد که در کتاب «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه‌ی تبریز» مندرج است. مطالب این کتاب از دقت و فصاحت بالایی برخوردار است و علیرغم اطلاعات سودمندی که در آن نوشته شده؛ فراوانی مطالب آن درباره‌ی باروی مورد بحث، همانند دو منبع قبلی نیست [۵].

در بین مؤلفان معاصر، محمدجواد مشکور در کتاب «تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری» راجع به این بارو بحث کرده و تحلیل‌های مفیدی درباره‌ی تاریخچه‌ی آن نگاشته است [۶]. عبدالعلی کارنگ نیز که در زمینه‌ی تاریخ تبریز تألیفات مهمی دارد، در کتاب «آثار باستانی آذربایجان» به استناد منابع دوره‌ی قاجاری، اشاراتی درباره‌ی تاریخچه‌ی این بارو آورده است [۱]. همچنین یحیی ذکاء در کتاب «زمین‌لرزه‌های تبریز» تحلیل مشروحی بر وقایع تاریخی منتهی به آفرینش باروی مورد بحث، تحریر کرده است [۲]. عبدالرحمن وهاب‌زاده نیز در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه‌ی برج و باروی شهر تبریز» در مجموعه مقالات کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی، با اشاره‌ای کوتاه به تاریخچه‌ی بارو، اقدام به نقل برخی مصوبات اداری نموده که در اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد شمسی از طرف دولت درباره‌ی این بارو و در راستای حفظ بافت تاریخی شهر تبریز تصویب و ابلاغ شده بودند [۷]. در اینجا باید به «طرح تفصیلی منطقه‌ی تاریخی - فرهنگی» تبریز نیز اشاره شود که «مهندسين مشاور نقش جهان - پارس» تهیه کرده‌اند و بخشی از اهداف آن، توجه به احیای خاطره‌ی باروی تاریخی تبریز در سیمای معاصر شهر است. در زمینه‌ی پژوهش، اسناد ارزشمندی نیز وجود دارد که عبارتند از نقشه‌های دقیق باروی تبریز که در حدود سال ۱۲۴۳ ه. ق. توسط نقشه‌برداران نظامی قشون روسیه و در ایام اشغال تبریز - طی جنگ منتهی به قرارداد ترکمانچای - ترسیم شده‌اند. در این نقشه‌ها که با اهداف نظامی تهیه شده، استحکامات دفاعی شهر و عناصر پدافند غیرعامل آن، مستندنگاری و ثبت شده‌اند [۸]. حال با شناخت قلمروهایی که در حوزه‌ی مورد مطالعه، حاوی اطلاعات‌اند، روشن می‌شود که عرصه‌های ناگشوده‌ای نیز باقی است که یکی از آن‌ها تحلیل چرایی و چگونگی ایجاد سامانه‌ی دفاع غیرعامل شهر پس از زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. است. مقاله‌ی حاضر از منظر تأملات معماری دفاعی، قصد مواجهه با این خلأ علمی را دارد.

شهر تبریز یکی از کهن‌ترین سکونت‌گاه‌های انسانی در شمال غرب سرزمین باستانی ایران است. در طول تاریخ و در پهنه‌ی تعاملات ملی و بین‌المللی، موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی این شهر، عامل دو چندان شدن رونق و آبادانی در آن بود. استقرار بر نقطه‌ی تلاقی مسیر شرقی - غربی جاده‌ی ابریشم با مسیر شمالی - جنوبی قفقاز به بغداد، یکی از امتیازهای مکانی این شهر بود که بر اهمیت آن می‌افزود. بر مدار چنین زمینه‌هایی، شکوفایی اقتصادی در این شهر بدان پایه رسید که آفرینش و گسترش کالبدی بزرگ‌ترین سایت تجاری ایران - یعنی بازار تاریخی تبریز - در آن رقم خورد؛ بازاری که در مقیاس جهانی، یکی از شناخته شده‌ترین مراکز مبادله‌ی کالا و سرمایه در دنیای قدیم بود [۱]. اما از سویی، سرنوشت این شهر با سانحه‌ی طبیعی زمین‌لرزه و بحران‌های حاصل از آن عجین بود. علت این سرنوشت، همجواری تبریز با یکی از فعال‌ترین گسل‌های شمال‌غرب ایران است. ^۲ به استناد اقوال معتبر، در طی تاریخ گاه شدت و قدرت برخی از زمین‌لرزه‌ها به حدی بود که یکباره، موجودیت کالبدی شهر دگرگون و صدمات جبران‌ناپذیری بر جای می‌ماند [۲]. اما موقعیت و عملکرد ویژه‌ای که شهر تبریز بر اساس مناسبات دوران کهن به دست آورده بود، موجب می‌شد که پس از وقوع هر حادثه‌ی ویرانگری، یک بار دیگر بر عمران و نوسازی آن اهتمام شود. معروف‌ترین و در عین حال آخرین زمین‌لرزه‌ی بنیان‌برانداز تبریز در دوره‌ی زندیه و به سال ۱۱۹۳ ه. ق. رخ داد که در پی آن، کلیت کالبدی شهر منهدم و اکثریت نفوس تلف شد [۲]. در این سانحه همچنین نظام دفاعی شهر، یعنی مجموعه‌ی برج و باروهایی که سامانه‌ی دفاع محیطی در برابر تعدیات خارجی بود، از هم پاشید. اما در فرایند شکل‌گیری مجدد شهر، که مساحت آن به شدت کاهش یافته بود، احداث باروی جدید در اولویت تصمیمات عمرانی قرار گرفت و مدیریت بومی توانست، به اتکای توانمندی‌های محلی، در حداقل زمان ممکن، سامانه‌ی دفاعی مناسبی را برای حفاظت از آسیب‌دیدگانی که قصد ادامه‌ی سکونت در این شهر بحران‌زده داشتند، پدید آورد. در حال حاضر مطالعه‌ی اصول و فونوی که در طرح و خلق باروی یادشده و در قالب برنامه‌ریزی پس از بحران به کار رفته بود، حائز اهمیت است و بررسی آن، می‌تواند آموزه‌ای برای برنامه‌ریزان کالبدی معاصر باشد. بر این اساس هدف از تحریر نوشتار حاضر که با تکیه بر اطلاعات برگرفته از متون تاریخی و نیز بررسی عینی بقایای باروی مذکور به ثمر رسیده، تبیین بخشی از مراتب فکر و فعل در آفرینش ساختاری نظام دفاعی شهر تبریز در مرحله‌ی بازسازی‌های پس از زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. است. به عبارتی هدف پژوهش، تحلیل چرایی و چگونگی تحقق ساختاری باروی جدید در وضعیت بحرانی پس از زمین‌لرزه است؛ وضعیتی که در آن، هنجارهای شناخته شده‌ی زندگی شهری عموماً از بین رفته بودند. پژوهش حاضر به روش تفسیری - تاریخی به انجام رسیده و در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است: الف. باروی تبریز چه نقش کارکردی در ترتیبات زیست جمعی این شهر داشت؟ ب. فرایند طراحی باروی جدید، متأثر از چه عواملی و مبتنی بر چه اصولی بود؟

چارچوب نظری

غالب تئوری‌های برنامه‌دهی دفاعی برای سکونت‌گاه‌های انسانی، تحقق دفاع بهینه را مشروط به تلفیق پدافند عامل و پدافند غیرعامل می‌دانند [۹]. بر پایه‌ی این نظر، موفقیت دفاعی یک شهر در برابر تهاجمات بیرونی، صرفاً در گرو برنامه‌ریزی برای نیروهای عمل‌کننده‌ی نظامی نیست؛ بلکه مستلزم توجه همزمان به مؤلفه‌ی دفاع غیرعامل هم هست. اگر دفاع غیرعامل، رکن مهم از ارکان دفاعی یک شهر منظور گردد و درست طرح و اجرا شود، آنگاه در هنگامه‌ی دفاع همه‌جانبه، می‌تواند متقبل بخشی از مسئولیت‌های دفاعی شهر شده و کنش عوامل مسلح را به حداقل رساند. از سویی اگر اساس هر جنگی را تحمیل اراده فرض نماییم، آنگاه هدف دفاع غیرعامل، پس زدن و برهم زدن اراده‌ی دشمن از طریق ساختارهای مهندسی خواهد بود.

در منابع علمی، برای تبیین مفهوم دفاع غیرعامل و انتظاراتی که از آن می‌رود، تعابیر متنوعی به چشم می‌خورد، اما به اختصار می‌توان گفت که: «دفاع غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به کارگیری جنگ‌افزار نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد» [۱۰]. از دیدگاه مدیریتی، به‌ویژه از دیدگاه مدیریت بحران، دفاع غیرعامل مجموعه تمهیدات، اقدامات و طرح‌هایی را شامل می‌شود که «با استفاده از ابزار، شرایط و حتی‌المقدور بدون نیاز به نیروی انسانی به صورت خوداتکا صورت گیرد... تا از یک سو توان دفاعی مجموعه را در زمان بحران افزایش داده و از سوی دیگر پیامدهای بحران را کاهش دهد و امکان بازسازی مناطق آسیب‌دیده را با کمترین هزینه فراهم سازد» [۱۰]. از آنجایی که نوع و شدت تهدیدات، همیشه و همه جا یکسان نیست، بنابراین تدوین یک برنامه‌ی موفق برای دفاع غیرعامل، در گرو برآورد دقیق و واقعی از تهدیدات خواهد بود تا درجه‌ی خطر مشخص شود و بسته به آن، مأموریت پروژه، خلق ساختارهایی خواهد بود که در حد منطقی و در سطحی مناسب اقدامات احتیاطی را محقق نمایند.^۲ در دنیای قدیم ساختارهای مهندسی مصنوع، همچون بارو، برج و خندق، عناصر دفاعی شهرها در برابر اراده‌ی نیروهای مهاجم بیگانه بود. «این اقدامات امنیتی با هدف بیرون نگه داشتن افراد مهاجم و معطل ساختن آن‌ها در فاصله‌ای امن انجام می‌گرفت تا نتوانند صدمه‌ی زیادی وارد کنند و یا اینکه پیشروی آن‌ها به سوی محل کندتر شود، تا بدین وسیله مدافعان، زمانی کافی برای آماده‌سازی خود در مقابل حمله را داشته باشند. مؤلفه‌های فیزیکی محافظت، چه طبیعی و چه ساخته‌ی انسان برای مدافعان امتیازی تاکتیکی در برابر افرادی که درصدد گزند رساندن به آنان هستند، فراهم می‌آورد» [۱۱]. اما آنچه که عینیت یافتن و به فعلیت رسیدن عناصر فیزیکی دفاع غیرعامل را سبب می‌شد، بهره‌گیری از اصول و فنون مهندسی رایج در زمان بود و بسته به شرایط زمان و مکان، عناصر معماری دفاعی، تجلیات مختلفی پیدا می‌کرد.

آنچه اینک در گفتمان معاصر معماری، با عنوان «معماری دفاعی» یاد می‌شود، در حقیقت معرفتی در ذیل معارف معماری است که رویکردی میان‌حوزه‌ای برای خلق طرح‌های معماری امن دارد. اگر چه عبارت معماری دفاعی در ادبیات معاصر، عبارتی به ظاهر نوظهور به نظر می‌آید، اما سرشتی بس قدیم دارد و بنیان‌های فکری آن را می‌توان در ترتیبات امنیتی اجتماعات کهن این سرزمین و سرزمین‌های دیگر دنبال کرد.

شهر ایرانی و برنامه‌ریزی دفاعی

همواره در طول تاریخ یکی از عوامل بنیادین در آفرینش و گسترش شهرها، امنیت و مهم‌تر از آن احساس امنیت بوده است. در ایران قدیم، موقعیت ژئوپلیتیک این سرزمین در جوار دیگر حوزه‌های ژئوپلیتیک مهم مانند آسیای میانه، شبه‌قاره‌ی هند، بین‌النهرین و عثمانی و تأثیر آن حوزه‌ها بر امنیت ایران، موجب شده بود که شهرهای ایرانی برای بقا و دوام نیازمند تمهیدات و تدبیرات دفاعی ویژه‌ای باشند [۱۲]. در فرهنگ شهرسازی ایرانی، فرهنگی که در طی قرون و متأثر از مقتضیات زمان و مکان، به تکوین رسیده بود. کاربست خردمندانه‌ی تدابیر دفاعی برای امنیت بخشیدن به شهر و شهروندان، رکن اصلی هر نوع برنامه‌ریزی کالبدی به شمار می‌آمد [۱۳]. به عبارتی در ایران قدیم، دفاع غیرعامل یک فرهنگ بود و برای خود اصول و اساس داشت و مردم نیز به اهمیت آن واقف بودند. به نحوی که کنش‌گران عرصه‌ی عمرانی، در بهره‌مند ساختن شهروندان از فضاهای امن، چه در مقیاس خرد و چه در مقیاس کلان، تردید و تعلل را جایز نمی‌دانستند؛ زیرا که فرهنگ عمومی، تساهل در این حوزه‌ی حیاتی را هرگز بر نمی‌تابید [۱۴]. طبقه‌ی اجتماعی معماران و دیگر استادکاران حرفه‌های وابسته، که مسئولیت صنعت ساختارهای دفاعی بر عهده‌ی آنان بود، معمولاً به بهره‌ای از بصیرت و معرفت حرفه‌ای دست می‌یافتند که با تجزیه و تحلیل محدودیت‌ها و نیز قابلیت‌هایی که شهر و پیرامون آن را احاطه کرده بود، مؤثرترین راهکار بومی را پیشنهاد دهند. البته در معماری ایرانی نحوه‌ی تمهید اصول دفاعی در بطن ساختارهای عمرانی همیشه یکسان نبود و متأثر از روند تکامل فکری و فنی در هر شهر و منطقه‌ای متغیر بود.

در این میان، باروها جزو انواع استحکامات مرسوم دفاعی بود که کالبد و کارکرد آن‌ها در طول تاریخ به موازات پیشرفت سلاح‌های تهاجمی و تدافعی تکامل یافته بود. به عبارتی طرح ساختمانی باروها بیشتر بر اساس معلومات و تجربه‌ی کلی نسبت به حمله و دفاع ریخته می‌شد و در هر دوره‌ای، روش‌های آزموده و مقبول برای ایجاد این نوع استحکامات انتخاب می‌شد [۱۵].

الزامات دفاعی تبریز قدیم

تبریز یکی از کهن‌شهرهای پرآوازه‌ی ایرانی است و در شناخت تاریخی آن باید به این نکته توجه داشت که موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خاصی که این شهر بر پایه‌ی مناسبات دوران کهن کسب کرده بود، همواره ایجاب و الزام می‌نمود که از استحکامات دفاعی کارآمدی برخوردار باشد. استقرار شهر تبریز بر مسیرهای

جهانی مبادله‌ی کالا و سرمایه، یکی از مهم‌ترین عوامل فزونی رونق و عمران در آن بود. به سبب عواملی که ذکر شد، لازمه‌ی یک زندگی امن و مطبوع در این شهر، برخورداری آن از سامانه‌ی دفاع محیطی مانند برج و بارو بود. در آثار مکتوب کهنی که به جا مانده، تبریز شهری بزرگ، خرم و با بارویی استوار توصیف شده است.^۶ باروی غازی (قلعه‌ی غازی) یکی از معروف‌ترین و در عین حال بزرگ‌ترین حصارهایی بود که در تاریخ تبریز به ثبت رسیده است؛ این بارو یادگار روزگاری بود که تبریز در کسوت تخت‌گاه دولت مغول، یکی از پرشکوه‌ترین مراحل تاریخی خود را تجربه می‌کرد. بعد از آن، علی‌رغم فراز و فرودهایی که شهر تبریز طی تاریخ پرحادثه‌ی خویش پشت سر گذاشت، همواره - به جز در مواقعی استثنایی - از برج و بارو به منزله‌ی سامانه‌ی دفاع شهری، در گرداگرد خود برخوردار بود.

در اواخر دوره‌ی زندیه و در سال ۱۱۹۳ ه. ق. (سال درگذشت کریم‌خان زند و به تخت نشستن لطفعلی‌خان زند)، زمین‌لرزه‌ی مهیبی تبریز را در هم کوبید و خسارات سنگینی بر جای گذاشت. بنا به اقوال مشهور، زمین‌لرزه‌ی مذکور چنان شدتی داشت که در آنی، شهر بزرگ و آباد تبریز را به ویرانه‌ای مبدل ساخت؛^۷ یکی از پیامدهای این حادثه‌ی هولناک، انهدام باروی شهر بود. در فرایند بازسازی تبریز پس از بحران مذکور، یکی از زیرساخت‌هایی که ایجاد آن در اولویت توجه قرار گرفت، دیوار دفاعی شهر بود [۳]؛ تحلیل فرایند آفرینش باروی مذکور، موضوع مقاله‌ی حاضر است. در سال ۱۲۰۳ ه. ق. - یعنی حدود ده سال پس از زمین‌لرزه‌ی مذکور - تغییر دولت در ایران رخ داده و قاجاریان بر تخت شاهی نشستند. در دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار و مقارن با جنگ‌های ایران و روس، فرماندهی عملیات نظامی در برابر روسیه به ولیعهد، عباس میرزا نایب‌السلطنه سپرده شد؛ وی در سال ۱۲۱۴ ه. ق. تبریز را مقرر رسمی خود و کرسی آذربایجان انتخاب نمود [۱]. از آن زمان تا اواخر دوره‌ی قاجاریه شهر تبریز اقامتگاه ولیعهدهای سلسله‌ی مذکور بود. همچنین در آن دوران، شهر تبریز به جهت نزدیکی نسبی با امپراتوری‌های روس و عثمانی، به کانون مراودات سیاسی و فرهنگی میان ایران و کشورهای همسایه‌ی شمالی و شمال غربی تبدیل شده بود. علاوه بر این باید به اهمیت اقتصادی تبریز و رونق کارکردی بازارش در آن روزگار اشاره نمود. مؤلف کتاب «مرآت‌البلدان» در وصف تبریز دوره‌ی قاجار نوشته است که «دارالسلطنه‌ی تبریز دارالملک مملکت آذربایجان و از بلاد معظمه و شهرهای مشهور ایران است» [۱۶]. طبعاً چنین شهری از نظر ملاحظات دفاعی، وضعیت امن و استواری را طلب می‌کرد که متولیان شهر بر تحققش مسئولیت داشتند.

زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. و پیامدهای آن

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در اواخر دوره‌ی زندیه و به سال ۱۱۹۳ ه. ق. زمین‌لرزه‌ی مهیبی تبریز را در هم کوبید، به نحوی که «همه‌ی ابنیه‌ی عالیه و آثار مستحکمه‌ی قدیمه از مدارس و مقابر و معابد و عمارات و رباطات بالمره همگی انهدام یافته و بی‌اغراق دیواری به بلندی یک وجب نماند و تخمیناً دوازده فرسخ از اطراف،

به تبعیت شهر انهدام یافت» [۶]. یحیی ذکاء در تحلیل تاریخی این حادثه می‌نویسد: «زمین‌لرزه‌ی سهمناک و ویرانگر و کشتارکن تبریز، ... با توصیف‌هایی که از پیامدها و آثار آن کرده‌اند، می‌توان پی برد که از همه‌ی زمین‌لرزه‌هایی که تاکنون در تبریز رخ داده است، سخت‌تر و هراس‌انگیزتر بوده است. ... این زمین‌لرزه چون درست در میان آخرین شب ذی‌حجه (سلخ) سال ۱۱۹۳ ه. ق. و نخستین روز محرم (غره) سال ۱۱۹۴ ه. ق. رخ داده، از این رو در نوشته‌ها دو تاریخ پیدا کرده است» [۲]. از سویی، زمان وقوع این حادثه، مقارن با سردترین روزهای سال در تبریز بود. «زمین‌لرزه در زمستان و در نیمه‌ی دی ماه روی داده و مردم شهر بر اثر سرما و شب در خانه و کاشانه‌های خود گرد آمده بودند» [۲].

مؤلف «تاریخ اولاد اطهار» در شرح تلفات انسانی این حادثه نوشته است که بر اساس «ضبط دفاتر محاسبان از اهل این شهر بی‌ظنیر، صد هزار نفر از برنا و پیر و صغیر و کبیر در این زلزله و تدمیر در زیر خاک مانده و هلاک شدند؛ غیر از زخم‌داران و آن‌ها که مکسورالعظام شده بودند» [۱۷]. شاهزاده نادر میرزا به استناد طومار سرشماری شهر تبریز که چند سال پس از زمین‌لرزه‌ی مذکور و در عهد آقا محمدخان قاجار تهیه شده بود، بومیان ساکن شهر را در ایام صدر قاجاریه چهار هزار و سی سر گزارش کرده است.^۸ این آمار، تأمل‌برانگیز و در عین حال غمبار است؛ زیرا نشانگر کثرت تلفات انسانی زمین‌لرزه بوده و از سویی نشان می‌دهد که پس از بحران، سکنه‌ی این کهن‌شهر تا چه حد تقلیل یافته بود.

همچنین مؤلف «تاریخ اولاد اطهار» درباره‌ی مسکن موقت زلزله‌زدگان پس از وقوع بحران نوشته است که «مردم آن شهر و توابع و نواحی و بلاد قریبه به آن سرزمین که اکثر آن‌ها مکسورالاعضا و دل‌شکسته و زخم‌دار [بودند] در یک جا مجتمع گشته، کاخ و نشیمن خفیف و خانه‌ی چوبین سرانجام نمودند که آن بیچارگان از ضرر سرما و برودت هوا محفوظ و سالم باشند و آن زمستان را آن مصیبت‌زدگان به صد محنت و بلا و رنج و عنا به آخر رسانیدند» [۱۷].

خلاصه اینکه زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. مفهوم بحران را در بطن و متن زندگی شهر نشانده و ضمن غافلگیری و تحمیل خسارات عمده؛ وضعیتی به وجود آورد که در آن، الگوهای متداول قبلی برای تصمیم‌گیری دیگر کارآمد نبودند، زیرا زمین‌لرزه عامل بی‌ثبات‌کننده‌ای بود که با دگرگونی دفعی، منجر به از هم‌گسیختگی و شکنندگی تمامی اوضاع شهر شده بود. یکی از عوارض حاد زمین‌لرزه که جماعت بازمانده‌ی شهر را نگران و آشفته می‌نمود، نبود امنیت بود؛ زیرا دیوار دفاعی شهر و عناصر وابسته به آن مانند برج‌ها و دروازه‌ها خراب و شهر بی‌پناه شده بود [۱۸]. بنابراین اندکی بعد از بحران، برای رسیدن به جامعه‌ی امن، مانا و پویا، ساخت بارو جزو اولویت‌ها و فوریت‌های تصمیم‌گیری قرار گرفت.

احداث باروی جدید شناخت تاریخی

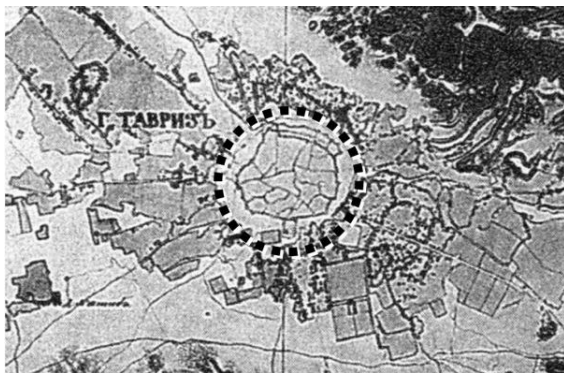
بارویی که پس از زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. و در فرایند بازسازی تبریز بحران زده ساخته شد، در واقع آخرین بارویی بود که در تاریخ، برای این شهر ساخته شد (تصاویر ۱ و ۲). بانی این بارو نجفقلی خان دنبلی، حاکم و بیگلربیگی تبریز بود.^۶ نادر میرزا قاجار در کتاب «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه‌ی تبریز» می‌نویسد: «نخست کسی که حصار وسیع و استوار به تبریز بنیاد نهاد مشحون از سرای رعیت و بازارها و خانات و گرمابه‌ها، نجفقلی خان بیگلربیگی دنبلی بود که به سال یک هزار و یک صد و نود و چهار از هجرت به حمایت احمدخان به گرد تبریز بنا نهاد و این حصار بود بس متین و هشت دروازه بر آن حصن نهاد» [۵]. (تصاویر ۳ و ۴). گفتنی است که به تبع اسم بانی، برخی منابع معاصر از این بارو، با عنوان باروی نجفقلی خانی نیز یاد کرده‌اند.

نجفقلی خان در حادثه‌ی زمین‌لرزه همراه با پسرش فضلعلی بیگ در زیر آوار ماند، پسرش کشته شد، خود وی یک پایش شکست، اما جان به در برد [۱۸]. مؤلف «تاریخ اولاد اطهار» می‌نویسد: «حاکم شهر تبریز در آن زمان عمده‌الخوانین العظام بیگلربیگی آذربایجان نجف‌قلی خان دنبلی مرحوم بوده که از زیر

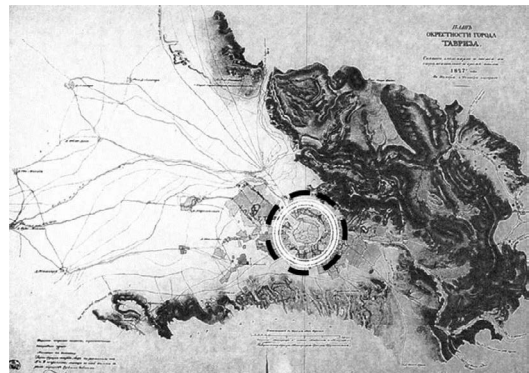
خاک بعد از زلزله بیرون آمده از پای معلول و به اغلال مصائب جان‌گسل هلاک فرزند فرزانه‌ی خود معلول شده بود» [۱۷].

زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. در زمستان و در موقعی از سال به وقوع پیوست که به خاطر شرایط اقلیمی تبریز، امکان برقراری کارگاه ساختمانی غیرممکن بود. نجفقلی خان، پس از سپری شدن فصل سرما و شروع بهار علیرغم اینکه جراحتش کاملاً بهبود نیافته بود، از بیم آن که مبادا دشمنانش از امیران افشار اورمیه و کردها و شقاقی‌ها بر شهر تازند و او به جهت نداشتن برج و بارو نتواند از شهر و خود دفاع کند، بی‌درنگ دست به کار ساختن باروی شهر شد و در زمانی اندک بارویی دور شهر پدید آورد [۲]. محمد امین ریاحی در تشریح این موضوع می‌نویسد: «نجفقلی خان دنبلی با وجود پیری و پاشکستگی، بلافاصله بعد از سپری شدن زمستان و قطع پس‌لرزه‌ها، ساختن برج و باروی دور شهر را آغاز نهاد، و در مدت شش ماه آن را به ارتفاع دو متر بالا برد [...] بعد از زلزله، حکمرانان سراب و ارومی به تصور اینکه تبریز بعد از چنان فاجعه‌ی بنیان‌کنی دیگر تاب مقاومت نخواهد داشت، به آن شهر حمله کردند و سردار پیر (نجفقلی خان دنبلی) آن حمله‌ها را دلاورانه دفع کرد» [۱۸].

عبدالرزاق بیگ فرزند امیر نجف‌قلی خان بیگلربیگی در کتاب «تجربة‌الاحرار و تسلية‌الابرار» ساخت بارو را در مدت شش ماه و



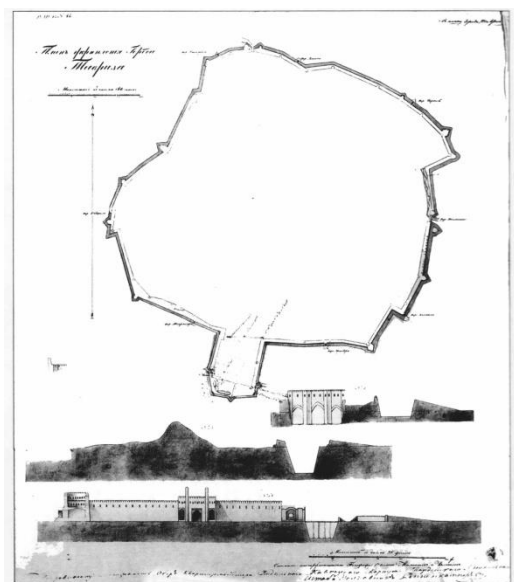
تصویر ۲: حومه و استحکامات شهر در پهنه‌ی دشت تبریز (۱۸۲۷ م/۱۲۴۲ ه. ق.)، [۸].



تصویر ۱: دشت تبریز (۱۸۲۷ م/۱۲۴۲ ه. ق.)، [۸].



تصویر ۴: شبکه‌ی معابر شهری و محدوده‌ی بارو (۱۸۲۷ م/۱۲۴۲ ه. ق.)



تصویر ۳: محدوده‌ی باروی شهر تبریز (۱۸۲۷ م/۱۲۴۲ ه. ق.)، [۸].

۸۷

شماره نهم

بهار و تابستان
۱۳۹۵

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی

بهرین

مراتب فکر و فعل در معماری دفاعی دارالسلطنه‌ی تبریز

به ارتفاع قامت انسانی معتدل گزارش کرده است [۲]. اما مؤلف کتاب «تاریخ اولاد اطهار» مدت ساخت بارو را دو سال گفته و نوشته است که «نجف‌قلی‌خان» بعد از زمستان مزبور بنای قلعه‌ی گردون اساس و طرح شهر بند آسمان پیوند گذاشت، قلعه‌ای در کمال حصانت و رزانت استحکام و متانت در عرض دو سال، چهار دیوار وسیع‌الفضای ... به اتمام رسانده و مجموع اهالی آن شهر را در میان آن قلعه جای عمارت و خانه داد» [۱۷]. به نظر می‌رسد بازه‌ی دو ساله‌ای که کتاب «تاریخ اولاد اطهار» به آن اشاره کرده، مربوط به مدت زمانی باشد که در آن کارهای تکمیلی بارو، مانند ساخت کنگره‌ها، کاشیکاری‌ها و حجاری‌های پیرامون سردر دروازه‌ها و غیره انجام گرفته است. در سال ۱۱۹۸ ه. ق. نجف‌قلی‌خان چشم از جهان فرو بست.^۸ نادر میرزا قاجار می‌نویسد: «پس از آنکه سور قلعه به اتمام رسید بیگلربیگی به رحمت ایزدی پیوست، فرزندش خدادادخان که از جانب احمدخان بیگلربیگی تبریز بود خندق این قلعه را حفر نمود. این بود تا نوبت دارایی آذربایجان به نایب‌السلطنه عباس میرزا رسید، این پادشاه‌زاده بر حصانت آن بیفزود. نخست خاکریز و مردرو بساخت. آنگاه فرمان داد که به گرد سور یک تیر پرتاب گشاده یابد و هر چه آبادانی بود بیشتر به زر بخریدند و با زمین یکسان کردند» [۵].

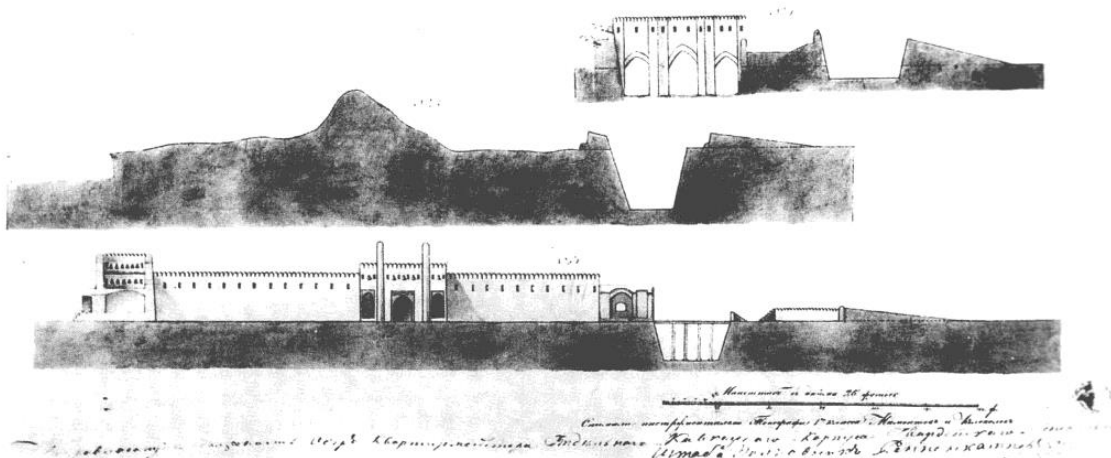
همچنین اعتمادالسلطنه - که کتاب «مرآت‌البلدان» را در عهد ناصرالدین‌شاه نوشت - از توجه عباس میرزا به باروی تبریز گزارش داده و می‌نویسد که «قلعه‌ی این شهر را تقریباً هفتاد سال قبل نجف‌قلی‌خان دنبلی ساخته و دیواری بس محکم داشته، خندق اطراف آن را در هزار و دویست و چهل و یک نواب نایب‌السلطنه مرحوم طاب ثراه (عباس میرزا) احداث نمودند» [۱۶].

این بارو تا چند دهه پس از ساخت، باقی و مورد استفاده بود، اما گذشت زمان و شیوع تحولات قرن نوزدهمی - به‌ویژه پیشرفت جنگ‌افزارهای پرتابی و توپ‌های دژکوب و باروشکن - نشان داد که باروی نجف‌قلی‌خانی در حال از دست دادن خاصیت دفاعی قبلی است. هنگامی که در سال ۱۲۴۳ ه. ق. و در واپسین ایام جنگ‌های چند ساله‌ی ایران و روس، که منجر به پذیرش قرارداد ترکمانچای شد، لشکر روسیه تبریز را تصرف نمود و «پس از آن

حضرت نایب‌السلطنه را دیگر در آبادانی آن نظری نماند» [۵]. عبور نیروهای روسی با تکیه بر سلاح‌های جدید و ورود آسان آنان به تبریز، روشن ساخت که این برج و بارو موضوعیت قبلی خود را در نظام دفاعی شهر از دست داده است. دلیل دلسردی عباس میرزا آن بود که حصار دفاعی پیش‌گفته نتوانست مانع ورود نیروهای روس به تبریز شود. طبعاً قلعه‌ای که مانع حمله‌ی دشمن نشود، توجیهی برای نگهداری و صرف هزینه‌های دفاعی نداشت.

شاهزاده نادر میرزا می‌نویسد: «این قلعه با حارس و کوتوال و نگهبان دروازه‌ها تا لشکر روسیه به تبریز مستولی شد باقی بود، پس از آن حضرت نایب‌السلطنه را دیگر در آبادانی آن نظری نماند. اندک خرابی بدان راه یافت تا به شهر یاری پادشاه ماضی (ناصرالدین‌شاه) یکباره از حراست آن دست برداشتند، قلعه‌بانان را اجرت ببریدند و ثلمه‌ها در هر سوی پدید آمد و به دست نیز مردم نزدیک کردن راه را ثقبه‌ها کردند. وقتی از درگاه خلافت به عمارت آن فرمان شد که خرق بر راقع متسع شده بود. تا عزیزخان مگری سردار به درگاه عرض کرد که «دیوارها افتاده و کنده انباشته شده. این حصار را فایده‌ی نمانده. اراضی آن بفروشم، زری وافر به خزانه‌ی دولت رسد و مردم آبادانی‌ها کنند»، دستوری رسید، صلا دادند» [۵]. مشابه این خبر را اعتمادالسلطنه نیز گزارش کرده است: «دیوار قلعه مسطور حال خراب و آنچه هم باقی مانده بود به حکم دیوان همایون از میان برداشته و به جای آن خانه و آبادی ساخته‌اند و عمارات و بیوتات اندرون شهر را متصل به بیرون می‌نمایند ولی دروازه‌های قدیم هنوز باقی است و به هشت دروازه مشهور است و اسامی آن از این قرار است: خیابان، باغمیشه، سرخاب، شتریان، اسلامبول، گجل، مهادهمین، نوبر» [۱۶]. (تصویر ۵).

بنابراین کهنگی تدریجی باروی نجف‌قلی‌خانی از زمان عباس میرزا و پس از اشغال شهر توسط قوای روسی آغاز و سرانجام در زمان ناصرالدین‌شاه که بافت شهری تبریز توسعه‌ی چشمگیری یافته و محلات جدیدی در بیرون بارو پدید آمده بود، تخریب کلی یافت. اما این اقدام به معنای از بین رفتن تمامی اثرهای مادی و معنایی باروی مذکور نبود؛ زیرا تأثیر هندسی پلان آن بر نحوه‌ی شکل‌گیری هندسه‌ی پلان شهر و شبکه‌ی معابر عمومی که حتی



تصویر ۵: نحوه‌ی استقرار یکی از دروازه‌ها در ترکیب شکلی باروی تبریز (۱۸۲۷ م/۱۲۴۲ ه. ق.، [۸])

مؤثر بر توسعه‌های آتی نیز بود، باقی ماند. محمدجواد مشکور می‌نویسد: «باید دانست که محل تبریز اصلی را که سابقاً در بین حصار قرار داشته، از زمان ناصرالدین‌شاه، قلعه نامیده‌اند و از آن زمان گر چه تبریز بی‌حصار بوده ولی تا اواخر قاجاریه آثار قلعه پیدا و داخل و خارج آن معلوم بوده است» [۶]. در اوایل قرن جاری و مقارن با شروع دوره‌ی پهلوی، از آن مجموعه‌ی عظیم دفاعی، به جز چند دروازه که در میان بافت توسعه یافته‌ی شهر، محصور بودند، کالبد دیگری باقی نبود. در حال حاضر نیز بقایای آسیب‌دیده‌ای از دو دروازه‌ی آن، یعنی دروازه‌ی خیابان و دروازه‌ی باغمیشه باقی است که نیازمند توجهات حفاظتی هستند.

مراتب صنعت بارو

اصول برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی برای ایجاد باروی جدید، به دنبال تحقق اهدافی بود که در آن اوضاع، جزو اولویت‌های حیات شهری محسوب می‌شد. در واقع، برنامه‌ریزی مذکور تدبیر راهکاری برای ایجاد فضای زیست امن در مقیاس کلان بود؛ فضای زیستی که باید هم در شرایط عادی و هم در شرایط اضطراری، در مقام ظرف زندگی جماعت شهر، مأمین حیات مادی و معنوی آنان باشد. بنابراین برج و باروی شهر، زیرساختی نبود که فقط در محدوده‌ی زمانی مشخصی مورد بهره‌برداری باشد، بلکه کل پهنه‌ی حیات روزمره‌ی شهروندان را در بر می‌گرفت. به عبارتی دیگر، تجدید بنای بارو، به عنوان خلق یک عنصر دفاع شهری، امری صرفاً برای رعایت اصول دفاعی و جلوگیری از غافلگیر شدن در برابر مهاجمین نبود؛ بلکه در شأنی بالاتر و کلی‌تر باید شرایط زندگی در شهر را نیز بهبود می‌بخشید. البته این بدان معنا نبود که سازه‌ی بارو به مثابه‌ی یک ساختار چند منظوره‌ای طراحی شود که به اقتضای ایام و مناسبت‌ها از عهده‌ی عملکردهای مختلف برآید. هر چند که اندرون فضای وسیع آن، به مثابه‌ی پناهگاه بزرگی بود که هزاران فضای دیگر با عملکردهای مختلف مانند مسجد، مدرسه، خانه، بازار و غیره چیدمان یافته بودند تا امورات شهر، از امورات روزمره تا مناسبت‌ها، در آن جاری و ساری باشد.

بر اساس آنچه گفته شد، برنامه‌ریزی کالبدی مذکور باید به نحوی تدبیر می‌شد که بارو در عین ایفای نقش به عنوان سامانه‌ی دفاع محیطی شهری و مصونیت بخشیدن به شهروندان در برابر تعدی بیگانگان؛ متضمن دو مؤلفه‌ی آرامش و آسایش محیطی نیز باشد. برقرار بودن شرایط عادی حیات اجتماعی، بدیهی‌ترین چیزی بود که همگان از بارو انتظار داشتند. در اینجا به طور خلاصه می‌توان گفت، برنامه‌ریزی فرایند خلق باروی جدید با هدف «تحدید یک عرصه‌ی مکانی بزرگ» به منظور «تعریف فضای زیست امن انسانی» باید طوری انجام می‌گرفت که بارو در ایفای نقش اصلی خود، به عنوان ظرف امنی که شهر و شهروندان مطروپ آن بودند؛ کارایی داشته باشد.

حال با درک آنچه گفته شد، باید به این نکته نیز توجه داشت که فرایند برنامه‌دهی باروی جدید در یک شرایط غیرعادی انجام می‌گرفت و پارامترهای محدود‌کننده و اثرگذاری در آن اوضاع وجود

داشتند که بر کیفیت و کمیت برنامه بسیار مؤثر بودند؛ در اینجا به پنج مورد مهم از آن‌ها اشاره می‌شود: الف. وضع بحران زده‌ی شهر و تلفات غیرقابل تصور جانی و مالی ب. جمعیت محدود شهر (همان‌گونه که پیش‌تر بحث شد، شمار مردم رسته از زمین‌لرزه‌ی مرگ‌آفرین و هولناک، حدود چهار هزار نفر بود) ج. ضرورت محافظت از بازار شهر و صیانت از اعتبار جهانی آن (عاملی که باعث می‌شد، شهر جدید در پیرامون بازار قبلی ساخته شود) د. محدودیت منابع مالی و عسرت نهاد متولی پروژه در تأمین هزینه‌ها. ه. تسریع در اتمام عملیات ساختمانی (به خاطر تسریع آمادگی در برابر آشکاری که قصد دست‌اندازی به شهر را داشتند).

اصل کلی طرح

هر پدیده‌ی معماری، برآمده از شرایط زمان و مکانی است که در آن پدیدار می‌شود. طبق این اصل، برای درک فرایند طراحی باروی مورد بحث، توجه به شرایط حاکم بر آفرینش آن ضروری است. پیش‌تر دانسته شد که طراحی باروی جدید، در شرایطی انجام می‌گرفت که شهر با یک بحران عمومی مواجه بود و دامنه‌ی آرامش و آسایش سکنه‌ای که از مرگ رسته بودند، در پایین‌ترین حد قرار داشت. با توجه به گرفتاری‌ها و تنگناهای آن ایام، طراحان اصولی را اتخاذ کردند که طرح با حداقل امکانات، حتی استفاده از مصالح ساختمانی پراکنده در شهر، سریعاً به فعلیت رسد. بر این اساس، در تفکر مهندسی آنان، آرمان‌های طراحی عمدتاً معطوف به نکات اساسی و بنیادی بود و پرداختن به لطائف و ظرائف شکلی و فرمی در اولویت‌های بعدی قرار داشت. بنابراین اگر تعریف «طراحی» را «فرایند حل مسئله» فرض کنیم؛ آنگاه در بیانی ساده می‌توان گفت که فرایند طراحی باروی جدید، در وهله‌ی نخست پاسخی معمارانه به دغدغه‌ی بی‌پناهی شهر و شهروندان در برابر تهاجمات احتمالی بود. البته همانطور که در بخش «شناخت تاریخی» بحث شد، طراحی و اجرای عناصر فرعی بارو، مانند ساخت کنگره‌ها، کاشیکاری‌ها و حجاری‌های پیرامون دروازه‌ها و غیره بعد از اتمام ساختار اصلی و در فرصت مناسب انجام گرفت.

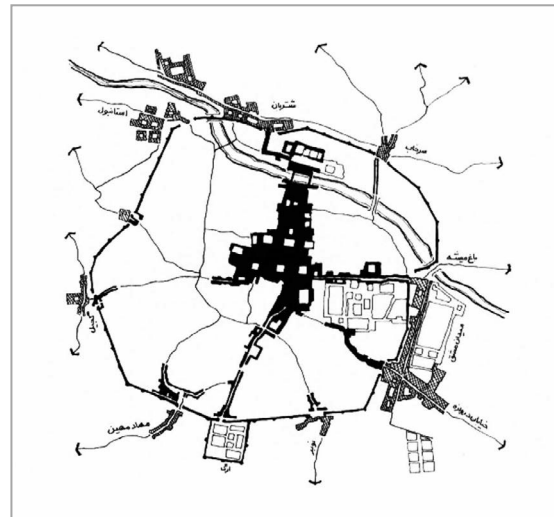
مکان طرح

برای بازتعریف و بازتحدید شهر پس از زمین‌لرزه، نیاز به زمین شهری کمتری بود؛ زیرا به دلیل قلت جماعت رسته از هائله‌ی مرگ، آمار سکنه‌ی شهر به شدت پایین آمده بود. عبدالرزاق بیگ فرزند امیر نجف‌قلی خان بیگلربیگی، درباره‌ی انتخاب مکان بارو و نحوه‌ی تعیین حدود آن، نوشته است که با اتمام زمستان و با آغاز فصل کاری، روزی نجفقلی‌خان با جراحات بهبود نیافته و «با جان ناخشنود و تن محنت‌اندوز و ضعف حال، بر باره [...] سوار شد و اطراف خرابه‌های شهر را طواف فرمود و چون در بنای عمارت و طرح‌ریزی قلعه و حصار مهارتی کامل داشت [...]، طرح قلعه‌ی جدیدی که اکنون (سال ۱۲۲۸ ه. ق.) موجود است و اساسش اندرآسی یافته به ملاحظه‌ی اهل تنجیم به طالع اسد بنا فرمود [...] بالجمله چون محل بروج و حصار را به نظر امعان آورد، ساختن بعضی را به عهده‌ی یکی از اعیان که در سمت

محلّت او واقع بود، بازگذاشت. زرها بر خاک ریخت، بنا و عمله‌ی بی‌شمار از شهر و نواحی برای این کار شگرف برانگیخت [و ...] این محکمه‌ی بی‌ماند را که دور و حصارش یک میل است، به تعجیل در مدت شش ماه، به قدر قامت انسانی معتدل در هر جا از ساهره‌ی زمین بلند کرد و طرح دارالحکومه و عمارت بیرون و اندرون و باغی برای خویش افکند» [۲].

بررسی خطوط محیطی باروی نوبیان نشان می‌دهد که «هسته‌ی کهن شهر پیش از زمین‌لرزه» یعنی منطقه‌ی بازار، مسجد جامع، دولتخانه و حواشی آن‌ها که در واقع مهم‌ترین کانون عملکردی شهر در همه‌ی ادوار بود؛ محدوده‌ی شهر جدید را شکل داده است. به عبارتی روشن‌تر، جماعت باقیمانده‌ی شهر، با مکان‌یابی عرصه‌ای در گرداگرد ویرانه‌های بازار قبلی، تدریجاً شروع به ساخت و ساز و عمران شهری نمودند. با چنین تصمیمی، آن‌ها قادر بودند که به احیای بازار بزرگ شهر نیز نائل شوند؛ بازاری که در طی قرون، وجهه‌ی جهانی شهر بود (تصویر ۶).

شناخت دلایل این استقرار و یافتن پاسخ به اینکه چرا شهر جدید بر روی خرابه‌های شهر قدیم بنیان نهاده شد، از طریق درک اوضاعی که اهالی بحران‌زده با آن مواجه بودند، امکان‌پذیر است. تأمل بر روی نقشه‌های تاریخی تبریز آشکار می‌سازد که



تصویر ۶: امتداد شریان‌های بازار تا دروازه‌های شهر، [۲۱]



تصاویر ۷ و ۸: دروازه‌های دارالسلطنه‌ی تبریز

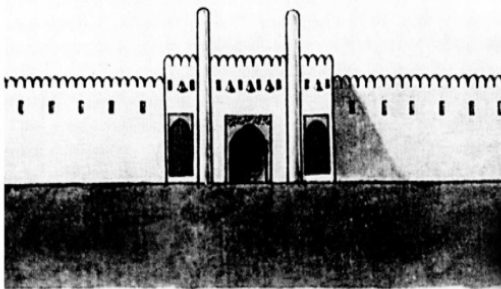
تصویر ۷ ترسیم‌ی است که اوژن فلاندن سیاح فرانسوی ارائه کرده است [۲۲] و تصویر ۸ را نقشه‌برداران قشون روس در حدود سال ۱۲۴۳ ه. ق. ترسیم کرده‌اند [۸].

آن‌ها در مرحله‌ی انتخاب مکان برای ایجاد سکونتگاه جدید، به پتانسیل‌های باقی‌مانده از شهر منهدم شده‌ی قبلی توجه داشتند. مزیت انتخاب آن‌ها، اتکا به نظام شهرسازی جاقفاده‌ی پیشین بود. بر این اساس، شهروندان در خلق سکونتگاه جدید، توان خود را معطوف سامان بخشیدن و به هنجار درآوردن کالبد بحران‌زده‌ای می‌کردند که صباحی پیش عمران و رونق داشت و می‌شد از برخی زیرساخت‌ها و تأسیسات آن با اقدامات ترمیمی، مجدداً استفاده نمود. گویا برای آن‌ها راه‌اندازی ابنیه‌ی قبلی، کم‌هزینه‌تر از احداث ابنیه‌ی نو بود. همچنین از مزایای این تصمیم، ایجاد حس تعلق به شهر جدید بود؛ گرچه شهر قبلی توسط زمین‌لرزه در هم کوبیده شده بود، لکن هویت آشنای خود را برای کسانی که قبلاً در آن زیسته بودند، حفظ کرده بود و این عامل در تقویت حس تعلق اهالی به ساختار جدید، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌نمود.

الگوی طرح

در قدیم چون تحولات جوامع از روندی کند برخوردار بود، هرگاه طراحان با موضوعی روبه‌رو می‌شدند، زمینه‌ی کار برایشان چندان تاریک و مبهم نبود. اگر از آنان طراحی یک بارو درخواست می‌شد، طرح مزبور در رابطه با یک نظام موروثی و آشنای دفاعی قرار داشت و با تجربیات پیشین، شکل‌های موروثی را با قدری تحول استوار می‌کردند.

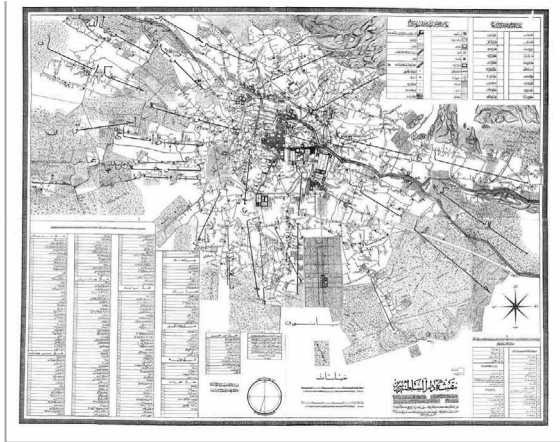
مطالعه‌ی متون تاریخی روشن می‌کند که بنیان باروی جدید نیز با بهره‌گیری از تجارب پیشین، به خلق آن اقدام کرده‌اند. مؤلف کتاب «تجربة الاحرار و تسلية الابرار» درباره‌ی نجف‌قلی خان دنبلی نوشته است که وی «در بنای عمارت و طرح‌ریزی قلعه و حصار مهارتی کامل داشت» [۲]. محمد امین ریاحی نیز در کتاب «تاریخ خوی» از تجربه‌ی قبلی نجف‌قلی خان در طراحی باروی شهر خوی سخن گفته است [۱۸]. بنابراین از نظر اصول طراحی، الگوی باروی جدید، مبتنی بر الگوهایی بود که از قبل در منطقه رواج داشت. به بیانی ساده، طراحی بارو از طریق کسب تجارب گذشته بود؛ لکن به اقتضای شرایط بحران، امکان پرداخت حداکثری به لطائف فرمی وجود نداشت. طبعاً اگر این بارو در شرایطی غیر از شرایط بحران و در وضع معمول ساخته می‌شد، کیفیتی متفاوت می‌یافت (تصاویر ۷ و ۸).



روابط عنصری طرح

این بارو که حصاری خطی پیرامون شهر تبریز بود، دارای هشت دروازه، به نام‌های دروازه‌ی باغمیشه (درب اعلی)، دروازه‌ی گجیل (درب سرد)، دروازه‌ی شتربان، دروازه‌ی استانبول، دروازه‌ی سرخاب، دروازه‌ی مهادهمین (درب میارمیار)، دروازه‌ی نویر و دروازه‌ی خیابان بود که هر یک به محله‌ای باز می‌شد. مطالعه‌ی نقشه‌ی «حومه و استحکامات شهر تبریز» (۱۸۲۷/م ۱۲۴۲. ق. ۰) نشان می‌دهد که محل و تعداد ورودی‌های شهر از نظر امنیتی با دید مناسبی برنامه‌ریزی شده بودند و امکان دسترسی به مراکز حساس شهری، کاملاً کنترل شده بود.

همچنین بررسی نقشه‌ی «دارالسلطنه‌ی تبریز» (۱۸۸۰/م ۱۲۹۷. ق. ۰) آشکار می‌کند که طرح بنای این بارو، تابعی از نحوه‌ی ساماندهی و هدایت دیگر برنامه‌های عمرانی شهر در آن برهه بود؛ انطباق دروازه‌ها بر روی شریان‌های به جا مانده از قبل که در تداوم محورهای حرکتی بازار بودند، مؤید همین موضوع است، زیرا توسعه‌ی آتی شهر نیز دقیقاً تابعی از این شبکه‌ی عبوری بود (تصویر ۹).



تصویر ۹: نقشه‌ی دارالسلطنه‌ی تبریز (۱۸۸۰/م ۱۲۹۷. ق. ۰)، [۸]

یکی از نکات قابل توجه دیگر در روابط عنصری طرح، به‌کارگیری طیفی از عناصر دفاعی و استفاده‌ی همزمان از خندق و بارو؛ به‌منزله‌ی ایجاد سیستم دفاعی چند لایه برای برقراری امنیت حداکثری برای شهر بود. ترکیب این عناصر به گونه‌ای بود که شهر را از بیرون، به مثابه‌ی یک سنگر جلوه می‌داد و آن را دژمانند کرده بود؛ دیوارهای بلند، نماهای ستبر، کنگره‌های دنداندار، دروازه‌های محدود و ایستگاه‌های بازرسی و حتی ایجاد سمبولیسم دفاعی با استفاده از نقوش اطراف دروازه‌ها. بدین ترتیب معماران و استادکاران سنتی، در افزایش ساختاری بارو، بر مبنای خرد و شعور مهندسی خویش و به اتکای مصالح بوم‌آوردی که محیط در اختیارشان نهاده بود؛ به نحوی اقدام کرده بودند که ساختار وجودی بارو ضمن ایفای وظیفه‌ی عملکردی خود، حداکثر هماهنگی را نیز با شرایط زمان داشت؛ مضاف آنکه در ترکیب فرمی اجزا تا حد امکان به معنا و زیبایی نیز توجه شده بود.

نتیجه‌گیری

زمین‌لرزه‌ی سال ۱۱۹۳ ه. ق. حادثه‌ای اسفناک در تاریخ تبریز بود؛ این حادثه چنان صدمه‌ای بر شهر و شهروندان وارد نمود که آثار مدنی و تمدنی چند صد ساله‌ای که در این کهن‌شهر ایرانی نضج گرفته بود، به یکباره در هم کوبیده شد. یکی از عوارض این سانحه‌ی ویرانگر، انهدام سامانه‌ی دفاع محیطی شهر. یعنی نظام برج و بارو. بود که منجر به بی‌پناهی شهر در برابر تعرضات دشمن و حتی گزند حیوانات وحشی شد. با این حال با همه‌ی مصائبی که زمین‌لرزه‌ی مذکور برای تبریز رقم زد، نتوانست نقطه‌ی پایانی بر شکوه و مدنیت آن باشد، زیرا جماعت اندکی که از هائله‌ی مرگ رسته بودند، بار دیگر بر عمران شهر قیام کردند و به رونق آن همت نمودند. در فرایند بازسازی شهر، یکی از زیرساخت‌هایی که در اولویت اقدام قرار گرفت، دیوار دفاعی شهر بود، زیرا در آن روزگار احداث بارو، مثل زیرساخت‌های دیگری همچون حفر قنات، امری واجب بود و نشان از قدرت بازدارندگی و آمادگی دفاعی شهر داشت. در آن وضعیت بحرانی، سرمایه‌گذاری برای ساخت بارو، امری کاملاً موجه بود؛ زیرا هدف، آفرینش ساختاری بود که کل پهنه‌ی حیات روزمره‌ی شهروندان را در بر می‌گرفت و باید فضای زیست امنی در مقیاس کلان پدید می‌آورد که هم در شرایط عادی و هم در شرایط اضطراری، مکان زندگی اهالی شهر و مأمین حیات مادی و معنوی آنان باشد. با همه‌ی اوصافی که از این باروی جدید در منابع تاریخی ثبت شده، به سبب قلت جماعت بازمانده از بحران، بارویی کوچک‌تر از باروی شهر پیش از زمین‌لرزه بود. بررسی‌های این پژوهش نشان داد که مدیران شهر تبریز، چه آنان که در سال‌های پایانی دوره‌ی زندیه و چه آنان که در سال‌های آغازین دوره‌ی قاجاریه بودند، علیرغم اختلاف دوره‌ها، نیت واحد در دفاع غیرعامل از منابع انسانی و دیگر سرمایه‌های شهر داشتند و هدف مشترک آنان، استوار ساختن و استوار ماندن این بارو بود. اما جنگ‌های ایران و روس و غلبه‌ی قشون روسیه بر تبریز، ثابت کرد که باروی شهر، دیگر متناسب با تهدیدات جدید نیست. از آن پس، متولیان شهر را انگیزه‌ای برای صرف هزینه‌های نگهداری آن نبود و به تدریج فرسوده شد و سرانجام در دوره‌ی ناصری، به دستور حکومت و توسط والی شهر تخریب شد. در واقع با از بین رفتن این بارو، صحیفه‌ی چند صد ساله‌ی نظام باروسازی در شهر کهن تبریز برای همیشه بسته شد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی تحت عنوان "مراتب صنعت سنتی در معماری دفاعی شهرایران؛ مطالعه موردی: باروی دارالسلطنه تبریز" می‌باشد که در دانشگاه تهران با شماره طرح ۲۰۰۴۱/۰۱/۱ به انجام رسیده است.
۲. منظور، گسل شمال تبریز است که یک گسل فشاری است و از شمال شهر تبریز با راستای شمال غربی - جنوب شرقی (N۱۱۵) می‌گذرد. این گسل یکی از بنیادی‌ترین ساخت‌های زمین‌شناسی موجود در گستره‌ی تبریز در شمال شرقی دریایچه‌ی ارومیه است که به سبب کارکرد آن، فرونشست فشاری دشت تبریز ایجاد شده است [۱۹].
۳. همچنین برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه رک: مبانی نظری معماری در دفاع غیرعامل [۲۰].
۴. مطالعه‌ی منابع تاریخی عموماً بر این امر اشاره دارند، اما در طول تاریخ

استثنائاتی هم در این زمینه وجود داشته است. مثلاً شاردن و کاتب چلبی از نیمه‌ی دوم عصر صفوی. هر دو بر عدم وجود بارو در پیرامون شهر تبریز سخن گفته‌اند. زمان مسافرت آنان به تبریز، مقارن با روزگار پس از حمله‌ی عساکر عثمانی به این شهر بود؛ عساکری که در نهایت بی‌رحمی و شقاوت، شهر تبریز را مورد تعدی و غارت و کشتار قرار داده بودند.

۵. برای درک شدت ویرانی‌ها و کاستی‌هایی که این زمین لرزه و حتی سایر زمین‌لرزه‌ها برای شهر تبریز رقم زده‌اند، شاید کافی باشد به نقصان فاحشی که اینک در منظومه‌ی میراث معماری شهر وجود دارد، دقت شود. پایه‌ی این ادعا آن است که علیرغم دیرینه‌ی تمدنی شهر تبریز و با آنکه در طی تاریخ تحولات سیاسی ایران چندین بار به پایتختی برگزیده شده؛ اما اینک کمتر نشان از آثار معماری بی‌بدیلی دارد که توصیفاتشان در کتب و اسناد تاریخی مندرج است، چون در حال حاضر میراث معماری شهر را عمدتاً آثاری شکل می‌دهند که در سال‌های پس از زمین‌لرزه‌ی ۱۱۹۳ ه. ق. ساخته شده‌اند. در این میان تنها تعداد انگشت‌شماری از بناهای پیش از زمین‌لرزه‌ی پیش‌گفته باقی است که همگی این قسم از آثار نیز به دلیل شدت آسیب‌های وارده، دچار نقصان کالبدی هستند.

۶. نادر میرزا می‌نویسد: «من طوماری دیدم و اکنون در نزد من است که به فرمان خاقان شهید (آقا محمدخان قاجار) تبریز و نواحی آن را بازدید کرده و خراج نهاده، به خاتم همان دبیر که میرزا احمد اردلانی بود مختوم. سرشماری نیز بدین شهر کرده و خراج نهاده. آنگاه در این شهر چهار هزار و سی سر شمرده از بومیان و از آن عدد دو هزار و سی نفر وضع کرده به نام سادات و علما و فقرا و اعیان و غربا، و بر دو هزار نفس مال فرود آورده. مرا این درست است، زیرا که آن دبیر با آن سطوت خاقان شهید نتوانستی چیزی پوشیده دارد» [۵].

۷. امیر نجفقلی خان دنبلی فرزند امیر شهبازخان از طائفه‌ی دنبلیه‌ی مقیم شهر خوی بود. دکتر محمد امین ریاحی در کتاب «تاریخ خوی» در معرفی وی می‌نویسد: «نجفقلی خان زیر دست نادر [شاه افشار] بالیده بود. مردی مدبر و نرم‌خوی و سرداری دلاور و حاکمی دادگر و مردم‌نواز بود. دلیل هوشمندی و کاردانی‌اش همین بس که در ۳۷ سال بعد از نادر هم در آن سال‌های آشوب و انقلاب و تغییر و تحول حکومت‌ها، در تمام حیات خود بر سر کار و مورد رضایت مردم بود» [۱۸]. شاهزاده نادر میرزا در کتاب خود، رونوشت حکمی را آورده که طی آن، کریم خان زند در ذیحجه‌ی ۱۱۷۷ ه. ق. نجفقلی خان را به منصب حکومت و بیگلربیگی تبریز منصوب کرده است. سرانجام نجفقلی خان دنبلی که سامان‌دهنده‌ی تبریز پس از زمین‌لرزه‌ی ۱۱۹۳ ه. ق. بود، در شهر تبریز و به سال ۱۱۹۹ ه. ق. درگذشت. مؤلف کتاب «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه‌ی تبریز» نوشته است که «نجفقلی خان با کمال شهامت و بسالت چهل و چهار سال قمری فرمانروای تبریز و توابع بود تا به سال یک هزار و یک صد و نود و نه از هجرت در گرمیه جهان بگذشت و راه ملک دگر گرفت. کالبد او را به نجف بردند و در جوار [مرقد مطهر] امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خاک سپردند. [...] پس از نجفقلی خان، فرزندش خدادادخان به جای پدر بیگلربیگی تبریز شد» [۵]. گفتنی است که در تاریخ طائفه‌ی دنبلیه، دو نفر با نام نجفقلی خان دنبلی معروف هستند؛ نخست همین نجفقلی خان پسر شهبازخان شهید که حاکم تبریز و بانی باروی آن بود و دیگری، نواده‌ی وی یعنی نجفقلی خان پسر فتحعلی بیگ پسر خدادادخان پسر نجفقلی خان پسر شهبازخان شهید است (رک: تاریخ و جغرافی دارالسلطنه‌ی تبریز، ص ۲۰۱ و تاریخ خوی، ص ۳۴۳).

۸. در مورد تاریخ درگذشت نجفقلی خان دنبلی دو نظر وجود دارد؛ یحیی ذکاء به استناد ماده تاریخ شعری که میرزا خرم در تاریخ مرگ نجفقلی خان سروده بود، سال درگذشت وی را ۱۱۹۸ ه. ق. یاد کرده است [۲]. ولی نادر میرزا تاریخ درگذشت نجفقلی خان را ۱۱۹۹ ه. ق. ذکر کرده است [۵].

۹. میرزا حسن نزوی در کتاب ریاض‌الجنه با ذکر این نکته که در امر بازسازی شهر از «معماران نیکوکار و مهندسان کارگزار» استفاده شده بود، در مورد بنای قلعه نوشته است: «در همان سال (سنه ۱۱۹۴ ه. ق.) نجفقلی خان بیگلربیگی به امداد احمدخان به طالع اسد باروی بزرگی به دور شهر در کمال

استحکام کشیده به عمارت شهر مشغول شدند» [۶].

۱۰. یحیی ذکاء می‌نویسد: «به مناسبت آنکه طالع باروی جدید را در برج اسد نهاده بودند، تصویر دو شیر ایرانی که به زنجیر کشیده شده‌اند، در دو سوی دروازه [ها] روبه‌روی هم در سنگ نقش شده است» [۲].

منابع

۱. کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۱). آثار باستانی آذربایجان؛ آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: راستی نو.
۲. ذکاء، یحیی (۱۳۶۸). زمین‌لرزه‌های تبریز. تهران، انتشارات کتاب‌سرا.
۳. دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۵۰). تجربه‌الاحرار و تسلیه‌الابرار. تصحیح و تحشیه‌ی حسن قاضی طباطبائی، تبریز
۴. نزوی محمدحسن‌الحسینی (۱۳۷۸). ریاض‌الجنه. قم، انتشارات کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۵. نادر میرزا (۱۳۷۳). تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. مصحح غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز، ستوده.
۶. مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران، انجمن آثار ملی.
۷. وهاب‌زاده، عبدالرحمن (۱۳۷۵). تاریخچه‌ی برج و باروی شهر تبریز. در مجموعه مقالات کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی، ج ۳، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۷۱-۸۸.
۸. فخار تهرانی، فرهاد؛ پارسی، فرامرز؛ بانی مسعود، امیر (۱۳۸۵). بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز. تهران، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
۹. اصغریان جدی، احمد (۱۳۸۶). الزامات معمارانه در دفاع غیرعامل پایدار. تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. ستاره، علی‌اکبر؛ زنگنه‌شهرکی، سعید؛ حسینی، سیدعلی (۱۳۸۹). آمایش و مکان‌یابی از منظر پدافند غیرعامل. تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۱۱. هوپر، لئونارد جی، دروگ، مارتا جی (۱۳۸۶). امنیت و طراحی سایت. ترجمه‌ی محمدجواد رحمانی، تهران، انتشارات شهیدی.
۱۲. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران. تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۳. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۴). از شار تا شهر. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۸). شیعه و حفظ آثار جنگ. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۵. میرسلیم، مصطفی و همکاران (۱۳۷۵). دانشنامه‌ی جهان اسلام. ج ۱، تهران، بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی.
۱۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۴). مرآت‌البلدان. به کوشش پرتو نوری علاء و محمدعلی سپانلو، تهران، نشر اسفار.
۱۷. طباطبائی تبریزی، محمدرضا (۱۳۱۴ ه. ق.). تاریخ اولاد اطهار. تهران، دارالطباعه مشهدی مهدی.
۱۸. ریاحی، محمدامین (۱۳۷۲). تاریخ خوی. تهران، انتشارات طرح نو.
۱۹. صافدل، محمدرضا (۱۳۹۱). گزارش زمین‌لرزه‌های ۱۳۹۱/۵/۲۱ اهر - ورزقان. پیام (فصلنامه‌ی کانون مهندسان فارغ‌التحصیل دانشکده‌های فنی دانشگاه تبریز)، شماره‌ی ۳۴، تابستان و پاییز ۱۳۹۱، ۴۱-۳۹.
۲۰. فرامز شاد، مصطفی (۱۳۸۶). مبانی نظری معماری در دفاع غیرعامل. تهران، مؤسسه انتشاراتی جهان جام‌جم.
۲۱. وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۸). بازار ایرانی؛ تجربه‌ای در مستندسازی بازارهای ایران. تهران، جهاد دانشگاهی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۲۲. فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۵۶). سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران. تهران، انتشارات اشرافی.